



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۹/۱۸

نصیر احمد مومند

نقش مطبوعات یا آئینه تمام نمای جامعه و سوء استفاده از آن در دوران حاکمیت تحمیلی بن در افغانستان:

واندرون قهر خدای عزوجل
وز درونش ننگ میدارد یزیداز بیرون چون گور کافر پر حل
از بیرون طعنه زند بر یزید

در بین مردم عام افغان اصطلاحی وجود دارد که میگویند «صدای دهل از دور خوش است» زرق و برق ها و کرو فاش های با مظاهر فریبنده زندگی پرتجمل و وسایل پیشرفته مدرن امروزی و چند عمارت مجلل و بلند منزل در چند قدمی دور و پیش کاخ نشینان و اربابان زرو زور، تحت نام نظام دموکراسی و قانون اساسی، احزاب و رسانه ها یا وسایل اطلاعات جمعی و غیره میتواند وسیله خوب تبلیغاتی برای اهداف سود جویانه استثماری و استعماری و برای فریب و اغفال افکار و اذهان عامه بحساب آید، ولی افغانها به زبان ساده میگویند «درونش مرا کشت و بیرونش دیگران را فریفت». درکنده می آید یک مثال آرد نیست، در بام ما نه تنور «در یک مبحث جداگانه در یکی از مقاله های تحلیلی و تحقیقی قبلی ازین قلم تحت عنوان «افغانها و فرهنگ و کلتور بیگانگان» در مورد تعدد و کثرت احزاب و گروه ها و تنظیم ها صحبت شده. هما نظر ما می بینیم که مطبوعات یا وسایل اطلاعات جمعی درکشور ما نیز دست کمی از تفنگ سالاران ندارد. وقتی پای صحبت از نقش، رسالت و مسوولیت مطبوعات یا وسایل اطلاعات جمعی و گردانندگان آن میان می آید یک تحلیل کوتاه ژورنالیستیک توجه ما را بخود معطوف میدارد:

میرهن است که همه با آئینه آشنایی و شناخت داریم، این بخاطر نیست که نه تنها در زندگی روز مره سر و وضع خود را در مقابل آن مرتب و منظم می نماییم و وجود ظاهری خود را بررسی میکنیم و در پی رفع نقایص و ناپسامانی ها و بهتر شدن سرووضع می براییم، بلکه در اثر همین تماس و ارتباط و کاربرد مداوم، ارزیابی های مقایسوی آئینه ها شناخت و برداشتهایی نیز از آن حاصل میشود که آیا حقیقتاً در رسیدن و تقرب به مطلوب در خدمت قرار داشته و ما را یاری و کمک مینماید و یا اختلاف و کذب و نیرنگی هم نپذیرد. بنا بر همین دلیل است که با آئینه های مختلف از نگاه ترکیب و خواص آن برمیخوریم. آئینه هایی که اصل اند و بی غش، تصویر حقیقی و واقعی را آنچه که هست می نمایند، که در چنین حالت نتیجه قضاوت و داوری ما اینست که اصطلاحاً میگوییم که این آئینه اصل، بیغش و راستگوست که ما را در پی تقویت محاسن و اصلاح معایب یاری و مدد میرساند. ولی هستند آئینه هایی که در ترکیب ساختار و خواص آن کذب، تقلب و غش بکار گرفته و تصویر را غیر از آنچه که هست بر خلاف اصل و حقیقت آن به نمایش میگذارد و ما را اغوا کرده ذهن را میفریبند و دچار سردرگمی و بی آبرویی مینماید، که در ینصورت به چنین آئینه ها اصطلاحاً گفته میشود که این آئینه قلب، بدل و دروغگوی است.

بنام مطبوعات یا وسایل اطلاعات جمعی را بنا بر ماهیت مسلک و کار آن به آئینه جامعه تشبیه کرده اند. وسایل اطلاعات جمعی که در ذیل برای اختصار از آن بنام مطبوعات یاد میکنیم بزرگترین و بهترین وسیله آگاهی، ارتقای سطح دانش و معلومات، انعکاس حقایق و واقعیت های اجتماع و وسیله منطقی و مسالمت آمیز دفاع مشروع و پرده برداری از اتلاف حقوق فرد، ملت و جوامع بزرگ بشری دانسته میشود. مشروط بر اینکه در دست گردانندگان مجرب، ژورنالیستان مسلکی و غیر وابسته و غیر جانبدار متدین. صادق باشهامت و راست کار و امانتدار بوده و هم چنان دارای منابع و مدارک تمویل، مرام و اهداف نشراتی روشن انسانی و ملی باشد. توان و درک تشخیص منافع مشروع و حقه و همچنان تحفظ وحدت و سلامت یک اجتماع و ملت را داشته باشد و در برابر هرگونه مظالم و مفساد و پیش آمد های ناگوار نه تنها تسلیم نشود، بلکه در امر نجات و تامین سلامت، انکشاف و توسعه آنها را یاری و همراهی کرده بخوبی تنویر و رهنمون شده بتواند.

یک ژورنالیست یا گرداننده مسلکی آگاه و رسالتمند یک وسیله اطلاعات جمعی اینرا به نیکویی میداند، زمانیکه جهان در مسیر پر تلاطم و تحول شتابناک زمان قرار گرفت، و وقتی تکنالوژی پیشرفته برق آسا جهان و زندگی جوامع بشری را در یک تغییر قرارداد و موقعیکه نهادهای سرنوشت ساز در اجتماعات بشری به عناوین و چهره های

مختلف و متفاوت مسجل گشت. وقتی رشد و بالنده گی و تحولات اقتصادی با دیگر مظاهر زندگی بالا گرفت ، و چنینکه غوغای مکتب های ایدیالوژیک، دوکتورین سیاسی باسیستم های نوین اداره لشکری و کشوری برای کسب نفوذ تفوق طلبی و سود جویانه از اندیشه یا تیوری در عمل یا پرکتیک پیاده گردید، در نتیجه آن و در موازات با آن افکار و اذهان عمومی نیز برای پذیرش و قبول و اهمیت و حقانیت و وظیفه سترگ و پر مسوولیت مطبوعات در جوامع بشری آماده شد. خبرگان نقش و اهمیت ضرورت آنرا در کلیه شوون زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی بالاخص در عرصه آگاهی از رویدادها و باز تاب آن را در روان مردم جامع و موثر ارزیابی کردند ، و وظیفه عمده و اساسی مطبوعات را روشننگری صادقانه سالم و سازنده ، باخبری و تنویر مردم خواندند ، نه القای اهداف ایدیالوژیک و منافع نامشروع و تبلیغات عوام فریبانه و تفرقه افکنانه و بی آبرویی و اهانت و جنگ اندازی های غیر منصفانه فردی، گروهی ، سازمانی ، نفاق ملی و امثال آن .

فلاسفه نامدار جهان مانند «مونتسکیو» و «جان لاک» معتقد بودند ، برای اینکه نتوان از قدرت استفاده نامطلوب کرد، «باید قدرت را ، قدرت متوقف نماید». از طرفی از زمان «ارسطو، کانت و ژانژاک روسو» در جامعه سه قدرت رامتمایز میدانستند، در تشکیلات کشوری قوای ثلاثه «مقننه ، قضائیه و اجرائیه» دریک دولت در کلیه نقاط جهان به رسمیت شناخته شده ، و اما طلایه داران و ارباب بینش و قلم بدستان در امتداد چند دهه اخیر در جمع بندی تشخیص قدرت یک قدرت دیگر را نیز بحث برانگیز قرارداد و حقانیت و مشروعیت این قدرت را به حیث یک قدرت قوی بر قدرت های ثلاثه اجتناب نا پذیر خوانده اند که این قدرت وسایل اطلاعات جمعی یا مطبوعات است. به همین سلسله مرحوم محمود طرزی پدر ژورنالیزم افغانستان باگفتار پر بهای خویش که: « مطبوعات یا وسایل اطلاعات جمعی ترجمان اجتماعیت، زبان ملت ، روح مدنیت و اساس انسانیت را تشکیل میدهد ». نیز اهمیت رسالت و مسوولیت مطبوعات را بیان و برجسته نموده اند .

با اندوه و تاسف فراوان باید اذعان کرد در چنین شرایط حساس عده ای از قلم بدستان و گردانندگان وسایل اطلاعات همگانی نه تنها نتوانسته اند در انجام وظایف فوق الذکر و در ادای رسالت و مسوولیت های تاریخی و قدسیت مسلک رهیاب شده و توفیق حاصل کنند، بلکه راه انحراف می پیمایند و در جهت معکوس در خدمت خاطر خواهی و گرایشات و تمایلات و معاضدت به القای اهداف و منافع نامشروع ، تبلیغات عوام فریبانه و تفرقه افکنانه فردی، گروهی و سازمانی قرار گرفته و بعضی ها با بیحیائی و بیشرمانه ترین روش به بلندگویی و ابزار پاسداری و سنگر نشینی در جهت تحفظ منافع دشمنان ملت و کشور مبدل گشته دانسته یا ندانسته با دم ریز کردن کلمات و لغت پرانی های نا بجا و ادبیات وارداتی عزت و وقار و اعتبار ملت و کشور را خدشه دار مینمایند که چنین وضع به سهم خود در ایجاد فضای مکدر و بیخبری و بحران اعتماد تا ثیر عمده را وارد میکنند.

ما در اوضاع و احوال جاری در اطراف و ماحول خود به روشنی و وضاحت مشاهده میکنیم که عده زیادی از وسایل اطلاعات جمعی و گردانندگان آن به آله و ابزاری مبدل گشته و استخدام میشوند تا بخاطر کسب پول، قدرت و وابستگی های سیاسی، حزبی، گروهی، منطوقی لسانی، نژادی، مذهبی و غیره تمایلات سلیقه یی توطئه بچینند و بدنام و نیک نام جلوه دهند بر درد ها، مصایب و آلام ملت ها و کشور ها در اطراف و اکناف مختلف جهان بالاخص در کشور بلاکشیده و خون آلود ما سرپوش بگذارند .

روزنامه ها، مجلات ، رادیو و تلویزیون ها در نظام و تشکل گروه های ناخلف شناخته شده او بایش باحراز جایگاه تفنگ و باروت و در زیر چتر دموکراسی بی بند بار تحمیلی و شعار های کاذب اجیر و استخدام می شوند که واقعیت ها را تحریف نمایند، منافع و مصالح اقوام و ملت ها و کشورها را فدای منافع شخصی خود و ولی نعمتان خویش کنند . افراد و اشخاص کم سواد و فاقد صلاحیت و اعتبار علمی، مسلکی و حتی کارکنان دستگاه ها و سازمانهای جاسوسی و استخباراتی در جامعه و پوشش ژورنالست و گرداننده استخدام و موظف میشوند که مانند خود از شخصیت های مجهول الهویه و بدنام و مشهور بالفساد شخصیت های کاذب و تصنعی و قهرمانان کاغذی را بوجود بیاورند پرستیژشان بدهند و در یک غوغا و هیاهوی تبلیغاتی کاذب و سفسطه گویی ها اذهان و افکار عامه اجتماع را غافل و مصروف نمایند و به اصطلاح آب را گل آلود و حقایق را کتمان کنند و ماهی بگیرند . اهداف و مرام خاص را در جهت تحفظ منافع و سود سرمایه و اربابان قدرت ایفا و به پیش ببرند از کاه کوه و از کوه کاه و سیاه را سفید و سفید را سیاه بسازند .

مثالهای زنده ذکر شده بالا را در مطبوعات داخل کشور و بیرون مرزی در طول سالهای مصیبت بار تا هم اکنون شاهد هستیم که افراد و دسته جاتی در کسوت های گوناگون از جمله درکارهای ژورنالستیک ، گردانندگی روزنامه ها ، مجلات ، جراید و رادیو تلویزیون و غیره بطور دانسته یا ندانسته «شعوری و یا غیر شعوری» ایفای نقش مینمایند و ناجائیکه بملاحظه میرسد عده ای از این افراد و وسایل دست داشته شان افرازا ت مربوط و وابسته احزاب و گروه ها که بیشتر از جانب کشور ها و سازمانهای خارجی به مقاصد و اهداف خاصی ایجاد شده حمایت رهبری و تمویل میگردند، جای گروه های ملیشه و تفنگداران را پر کرده و درکار بدام انداختن رقبای مخالفان و دامن زدن تفرقه و تبعیض و ایجاد فضای اختناق مصروف هستند ، تا نشر و پخش حقایق و انعکاس واقعیت های موجود . فکر میکنم که شیوه و روش جاری آزادی مطبوعات و بیان در هیچ کجایی و حتی در دموکراسی های بی بند و بار غربی هم وجود ندارد . با چنین طرز فعالیت نه تنها حقایق و واقعیت های عینی جامعه و صدا و درد ملت را در غوغای منفعت های گروهی

خویش سر پو ش میگذارند و خفه می سازند بلکه رسالت و مسوولیت مطبوعات را نیز خد شه دار می نمایند و موجبات انزجار و تنفر مردم را در برابر قلم و مطبوعات فراهم میگرداند .

در چنین شرایط و حالاتیکه استتار و پنهان کاری ها، خدعه و تدویر و خیمه شب بازی ها نه تنها برای جان و مال و کشور افغانستان گردیده ، بلکه در سطح منطقه و جهان مظلوم و بیعدالتی ها بیداد میکند ، بیش از هر وقت دیگر چشمان تیز بین و دراک ، احساس و وجدان بیدار گردانندگان مطبوعات و وسایل اطلاعات جمعی و فرهنگیان و قلم بدستان اصیل افغان را می طلبد تا این شهامت را بکار گیرند که پرده از روی درد ها و آلام و واقعیت های جامعه به سود امن ، رفاه و سعادت جامعه بردارند، رسالت و مسوولیت ایمانی و وجدانی خود را در برابر خدا ، ملت و مسلک خویش به شایستگی ایفا و انجام دهند نام نیکو و سر بلندی تاریخی را کمایی کرده و مانند یک آینه اصیل و راستگو بدرخشند . لهذا بهترین سفارشی را که میتوان نصب العین خود قرار داد این خواهد بود که از خود باید شروع کرد، بایبست خداترس و مردم دوست و وطن خواه واقعی بود و پدیده صداقت و امانت کاری را در رگ و خون و استخوان خود باید جا داد و سر مشق اعمال روزه مره زندگی خویش قرارداد و مشعل راه تعالی و ترقی مردم و کشور بود، زیرا عناصر متشکله رفاه و سعادت و سر بلندی یک جامعه هم همین افراد سالم، با درد، دانشمند و وطن خواه اند که بدون آن یک ملت کامیاب سر بلند و پرافتخار و متکی بخود را نمیتوان سراغ کرد.

با تاسف که طی چهارده سال اخیر زمامداری حامد کرزی بزرگترین دست آورد دولت درین سالها موجودت و کثرت رسانه های آزاد؟!، در سطح محلی و ملی قلمداد می شود. ولی همزمان و در پهلوی این ادعا و قلمداد ، به کثرت و صراحت بصورت مشخص با ذکر نام و اسناد و دلایل اعتراض می شود که برخی ازین رسانه ها مستقیماً و علنی از جانب همسایه های مغرض افغانستان تمویل می گردند که مقصود آنها از چنین مصارفات عمداً تلاش در جهت برهم زدن وحدت و وفاق ملی و تهاجم فرهنگی در میان افغانها می باشد که ارزش های اصیل اخلاقی افغانی- اسلامی روبره تنزل و نابودی میرود.

پایان